

نگاه ایرانی به پایان ادبیات کودک

داشتیم: «پایان ادبیات کودک» و «پایان کتاب کودک».

در میزگرد این شماره، با حضور حسن نمکدوست، پژوهشگر و استاد رشته ارتباطات دانشگاه و علیرضا کرمانی، منتقد ادبیات کودک و پژوهشگر در حوزه جامعه‌شناسی دوران کودکی، به هر دو جنبه از این موضوع پرداخته شده است.

علیرضا کرمانی در این بحث، با اشاره به تحول دوران کودکی، اظهار می‌دارد که با به رسمیت شناخته شدن حقوق و استقلال کودک، کودکان به توانایی‌هایی دست یافته‌اند و از اقتدار والدین و بزرگسالان در رابطه بین کودک - بزرگسال کاسته شده و فاصله، به کاهش فاصله میان ادبیات کودک و ادبیات بزرگسال انجامیده است. به نظر کرمانی، ادبیات کودک با خطر از بین رفتن روبه‌رو و در معرض تحولات بسیار بنیادی است.

اما حسن نمکدوست با این که این تحولات را می‌بیند، معتقد است که هیچ رسانه‌ای از بین نمی‌رود، بلکه کارکردش تغییر می‌کند. نمکدوست در این بحث، بیش‌تر به «پایان کتاب کودک» اشاره دارد و آن را در نسبت با تحولات حاصل از اینترنت، مورد بررسی قرار می‌دهد. او تأکید می‌کند که وضعیت ما در برابر این تحولات «حیرت» است.

با این حال، این پژوهشگر معتقد است که

سخن گفتن از «پایان ادبیات کودک» در ایران، شاید سخنی بی‌بنیاد به حساب آید؛ مثل سخن گفتن از «پایان»‌هایی که در غرب باب شده است: «پایان غرب»، «پایان تاریخ» و... این بحث‌ها بیش‌تر ادامه تجربه غربی‌هاست و با توجه به منطقت موقعیت آنان شکل گرفته است و گاهی در آن چارچوب هم سخنانی در حاشیه، سخنان اصلی به شمار می‌رود.

در انتخاب این موضوع، چنین تردیدهایی مد نظر بوده است. با این حال، فکر کرده‌ایم که طرح برخی موضوع‌ها می‌تواند چشم‌انداز وسیع‌تری پیش روی ما بگذارد. حداقل می‌تواند در برخی از کلیشه‌های انگار ابدی حاکم بر ادبیات کودک و نوجوان تردید ایجاد کند. می‌تواند به ما بیاموزد که جور دیگری به ماجرا نگاه کنیم.

گذشته از این، انتخاب هر موضوعی به منزله پذیرفتن آن نیست. ما وقتی موضوعی را انتخاب می‌کنیم که آن را برای گفت‌وگو کردن مناسب تشخیص بدهیم و فکر می‌کنیم در این انتخاب اشتباه نکرده‌ایم؛ زیرا یکی از معدود موضوع‌هایی بود که کارشناسان و منتقدان ایرانی، علاقه زیادی برای تأمل در آن نشان دادند؛ به طوری که تقریباً تمام مقاله‌های مرتبط به آن، تألیفی و می‌شود گفت حاصل نگاه ایرانی به این موضوع است.

با این حال، ما در این بحث دو جنبه را مد نظر

«بازی‌گوشی، خنده و فراموشی» ویژگی دوره کودکی است، آن را در تقابل با ویژگی‌های دوره بزرگسالی «سخت‌گوشی، جدیت و طبقه‌بندی و تاریخ‌نگاری» دانسته و اعتقاد دارد که آن چه پیش روست، «زوال بزرگسالی» و تبدیل بزرگسالی به کودک دارای هویت و تمایل جنسی و حرفه‌ای است.

«مرگ یا دگربردسی»، نوشته مهرداد تویسرکانی، نگاهش رو به آینده است. او ضمن رد «پایان کتاب کودک»، با مقایسه شغلی مثل ماشین‌نویسی که سال‌های گذشته در تهران رواج داشته، اما اکنون نیست، معتقد است بر فرض که تاریخ مصرف ادبیات کودک و نوجوان به پایان رسیده باشد، حتماً چیزی جدیدتر و بهتر جایگزین آن خواهد شد.

آرمن نرسسپیان نیز در مقاله‌اش، این بحث را اندکی مبالغه‌آمیز می‌داند؛ در یادداشت کوتاهش با همین عنوان؛ «اندکی مبالغه‌آمیز».

سجاد صاحبان زند نیز با اشاره به ادبیات کودک کشورهای مختلف که هنوز خواننده نشده است، ادبیات کودک را دارای آن بلوغی نمی‌داند که نشود جلوتر از آن رفت تا از پایانش سخن بگوییم. مقاله او «هنوز قصه‌های بسیاری را نخوانده‌ایم»، نام دارد.

مزگان کلهر نیز در یادداشتی با عنوان «این فقط یک یادداشت است»، می‌گوید بحث از «پایان ادبیات کودک و نوجوان»، نسخه‌ای است برای سروش گذاشتن روی بسیاری از مشکلات کتاب کودک و نوجوان.

در بخش گفت‌وگو هم دو گفت‌وگو با گودرون پازوانگ (Gudrun Pausewang)، نویسنده برجسته آلمانی ارائه شده، با عنوان «جهان پر از

کودکان و نوجوانان و جوانان نسبت به نسل‌های قبل تر، تولیدکننده تر شده‌اند. هم اکنون بچه‌ها قصه می‌نویسند، شعر می‌گویند، پوستر و فیلم تولید می‌کنند و خودشان وارد این فرایند شده‌اند.

ابراهیم اقلیدی، در مقاله‌اش به نام «چیزی آغاز نشده است که به پایان برسد»، «پایان ادبیات کودک» را بهانه‌ای قرار داده است تا وضعیت فعلی و قبلی ادبیات کودک را در برابر نقدی رادیکال قرار دهد.

او معتقد است که ادبیات کودک، کودکی و غیره به پایان نرسیده است. آن چه تمام شده و فرو ریخته جهان ما، جهان کاغذی ماست که بیدها آن را با تمامیتش، با آدم‌ها، مفاهیم، مقدسین، نویسنده‌ها، فیلم‌سازها، شاعرها، تروریست‌ها و مهم‌تر و تأسف‌بارتر از همه دیوانگانش (این دیگر جای خالی‌اش هرگز پر نخواهد شد) جوییده‌اند.

«بدن کودک و پایان‌پذیری ادبیات کودک»، به بحث درباره «بدن کودک» و تأثیر آن در توانایی‌ها و ناتوانی‌های کودک پرداخته است. به نظر نویسنده، نکته‌ای که در بحث‌های مربوط به زوال کودکی و پایان ادبیات کودک از آن غفلت شده، «بدن کودک» است. او با اشاره به تفکیک «کودک بیولوژیک» و «کودک اجتماعی» و با نقد این تفکیک، به سبب تأثیر بیولوژی کودک در اجتماعی شدن او، پایان ادبیات کودک را ممکن ندانسته است.

حسین شیخ‌الاسلامی، در مقاله‌اش با عنوان «زوال بزرگسالی»، از زاویه‌ای دیگر به این موضوع پرداخته است. او از نگرانی‌های مربوط به پایان دوران کودکی و تأثیر آن در ادبیات کودک و نیز کارکردهای دوران کودکی، گزارشی ارائه کرده است. او در بخش دیگری، با طرح این موضوع که

ایده است».

نقد ویژه این شماره نیز به احمد اکبرپور اختصاص یافته است. تا شماره گذشته، کسانی که در بخش نقد ویژه به آثارشان پرداختیم، از برندگان جشنواره بزرگ برگزیدگان ادبیات و کودک و نوجوان بودند و از پیشکسوتان، اما با پایان گرفتن فهرست برگزیدگان جشنواره، از این شماره تصمیم گرفته ایم که در عین بررسی آثار پیشکسوتان، به نویسندگان و شاعران جوان نیز که توانسته‌اند توجه منتقدان و کارشناسان را جلب کنند، بپردازیم. اولین انتخاب ما احمد اکبرپور است که توانسته جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را نصیب خود کند.

در بخش نقد ویژه این شماره، علی ربیعی وزیری و مجید کوهکن، در دو نقد جداگانه، به کتاب «قطار آن شب» پرداخته‌اند. روح‌الله مهدی‌پور

عمرانی، در نقدی با عنوان «خطی میان طنز و تخیل»، کتاب‌های دیگر این نویسنده، مثل «من نوکر بابام نیستم»، «امپراتور کلمات» و «قطار آن شب» را مورد بررسی قرار داده است. زری نعیمی نیز در نقدی با عنوان «معلق میان شاعر بالقوه و داستان‌نویس بالفعل»، مروری انتقادی دارد بر جنبه‌های مثبت و منفی آثار اکبرپور.

حسین شیخ‌الاسلامی نیز در یادداشتی با عنوان «وقتی از امپراتوری کلمات حرف می‌زنیم، از چه چیز حرف می‌زنیم؟» به نقد امپراتوری کلمات پرداخته است.

در این شماره نیز مطابق معمول، گزیده مقاله‌شناسی فارسی و انگلیسی ارائه و پایان‌نامه‌ای با عنوان «ارزیابی ترجمه فارسی داستان‌های کلاسیک» معرفی شده است.

دبیر تحریریه